

## تاثیر اشتغال گروهی از مادران بر مراقبت از کودکان در شهر شیراز

حلیمه عنایت  
دانشگاه شیراز



### خلاصه

هدف از این مطالعه بررسی اثرات اشتغال مادران بر تربیت کودک در شهر شیراز بوده است و تربیت و رسیدگی به کودک با شش شاخص مراجعه به مدرسه، توجه به امور تحصیلی در خانه، تنبیه، حساب بردن از والدین، پول توجیبی، و مطرح کردن مشکلات با والدین اندازه گیری شده است. شاخص های رسیدگی به کودک، به عنوان متغیر وابسته، با پنج متغیر مستقل تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، ساعات کار مادر، نوع شغل مادر، و تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان از آن دارند که بین تحصیلات مادر و مراقبت بیشتر از فرزند رابطه ای مثبت وجود دارد در صورتی که چنین رابطه ای بین تحصیلات پدر و تربیت کودک وجود ندارد. با افزایش تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده توجه و رسیدگی به کودک کاهش می یابد و بین ساعات کار مادر و متغیر وابسته رابطه معنی داری به چشم نمی خورد.

### مقدمه

از قدیمی ترین نهادهای موجود در جامعه نهاد خانواده است. این نهاد طی قرون متمادی همواره از الگوهای فرهنگی، ایدئولوژیهای حاکم، و شرایط اقتصادی متأثر بوده و وظایف متفاوتی را نیز بر عهده گرفته است. نهاد خانواده، همچون دیگر نهادها، در ارتباط متقابل با سایر نهادها می باشد. بدین معنی که هم بر آنها اثر گذاشته و هم از آنها تاثیر پذیرفته است. این تاثیر پذیری از دیگر فرهنگها نیز نشأت گرفته است و از آن جمله می توان از انقلاب صنعتی، که با صدور تکنولوژی تغییراتی در ساخت اقتصادی و کارکرد خانواده و نقش اعضای آن بوجود آورده است نام برد.

یکی از اعضاء مهم خانواده زن است. زن در جامعه مادارای دو نقش اصلی، همسر بودن و مادر بودن، می باشد. این دو نقش، با توجه به ویژگی های جسمی و روانی زن، وظایف خاصی را بر دوش او می گذارد. در حالی که فعالیتهای سخت خارج از خانه بر عهده مرد است، مدیریت خانه، تربیت کودک، و ایجاد محیط عاطفی در خانواده از وظایف زن می باشد. با بیرون رفتن زن از خانه در این نوع تقسیم کار اختلالاتی پدید آمده و نقشی تازه بر نقش های قبلی او اضافه شده است. این نقش تازه بر جنبه های مختلف زندگی زن و بخصوص نقش مادری وی، که در گذشته در انحصار او بود، اثرات فراوانی بر جای نهاده است.

با توجه به روند افزایش زنان شاغل در جامعه کنونی ما هدف از این مطالعه بررسی تاثیر اشتغال مادران بر تربیت و رسیدگی به کودکان در شهر شیراز بوده است. سؤال این است که: آیا تربیت کودک همچنان از وظایف اصلی زنان می باشد؟ آیا او شخصاً به تربیت کودک می پردازد و یا آنکه دیگران را در این امر سهیم کرده و از وظیفه خود کاسته است؟ نتایج این مطالعه، علاوه بر جنبه های علمی و نظری آن، می تواند مسئولان را در زمینه وضعیت شغلی زنان و برنامه ریزی در جهت تربیت صحیح فرزندان یاری دهد.

### مروری بر مطالعات پیشین

مطالعه در نهاد خانواده و بررسی تغییر و تحولات آن از جمله مسائلی است که طی قرون و اعصار مورد توجه محققان و عالمان بوده و در دهه های اخیر نیز از دید دو مکتب کارکردگرای

ساختی و کنش متقابل گرای نمادی بر کنار نبوده است. مکتب کارکرد گرای ساختی<sup>۱</sup> بر آن است که اجزاء متشکل یک نظام اجتماعی مرتبط بهم و وابسته به یکدیگرند و عملکرد هر یک از اجزاء، دوام و بقا جامعه را موجب می شود. در این دیدگاه خانواده سازمانی است اجتماعی و متشکل از افرادی که در رابطه با یکدیگرند. این سازمان کارکردهایی دارد که به دوام و بقای نظام اجتماعی کمک می کند.<sup>۲</sup>

پارسنز، که یکی از طرفداران این مکتب است، اعتقاد دارد که جوامع انسانی به سمت و سویی حرکت می کند که در آن خانواده دارای دو کارکرد اساسی است که یکی اجتماعی کردن کودکان بدان سان که بتوانند به عضویت جامعه ای که در آن بدنیا آمده اند در آیند، و دیگری تثبیت شخصیت افرادی که بتوانند به صورت افراد بزرگسال در جامعه ایفاء نقش کنند.<sup>۳</sup>

نظریه کنش متقابل گرای نمادی<sup>۴</sup> نیز خانواده را با توجه به نقش و اهمیت آن در جریان اجتماعی شدن مورد مطالعه قرار داده است. اگر اجتماعی شدن را به جریانی که طی آن انسان الگوهای فرهنگی جامعه یا گروه خود را می آموزد و آنها را بعنوان جزئی از نظام رفتاری خویش قرار می دهد،<sup>۵</sup> تعریف کنیم، در این صورت فرد برای آنکه بتواند با افراد دیگر جامعه رابطه ارگانیک برقرار کند لازم است نقش های اجتماعی گوناگون را فرا گیرد. این فراگیری از طریق کنش متقابل با دیگران صورت می گیرد. در اجتماعی شدن کودک چند عامل موثرند که اولین و مهم ترین آنها خانواده می باشد.

با توجه به اهمیت مادر در مسئله مهم اجتماعی شدن کودک در این صورت اشتغال او به کارهای خارج از خانه می تواند پیوند روانی و عاطفی اعضاء خانواده را از هم بگسلاند و آثار و عوارض سوئی را در این زمینه به دنبال آورد. لوکسلی در مطالعه ای به منظور ارزیابی میزان تاثیر اشتغال مادران بر تعادل زندگی زناشویی و احساس رضایت آنها از زندگی، به این نتیجه رسید که زنان شاغل در نقش مادری احساس عدم کفایت و نارضایتی بیشتری می کنند تا مردان شاغل در نقش پدری. همچنین احساس نارضایتی زنان از زندگی بیشتر از مردان است.<sup>۶</sup> مطالعه دیگری نیز در این خصوص بدین نتیجه رسیده است که شغل زن در بسیاری از موارد با نقش هایی که او در خانواده بر هدهد دارد سازگار نیست و در نهایت ناپایداری روابط خانوادگی را موجب می شود.<sup>۷</sup>

تاثیر اشتغال مادران بر احساس کودکان آنان نیز مورد پژوهش قرار گرفته است. بر طبق این

تحقیقات اشتغال مادر بصورت معنی دار بر پسران دارای تاثیر مثبت و بر دختران دارای تاثیر منفی است. از نظر عاطفی پسران معتقدند که بیشتر مورد علاقه مادرند تا دختران. این احساس ممکن است به این دلیل باشد که مادر شاغل برخی از مسئولیتها را بر عهده دختر بگذارد و همین امر منجر به برداشتن منفی در ذهن او (دختر) گردد.<sup>۸</sup>

تاثیر اشتغال مادران بر پیشرفت تحصیلی کودکان نیز مورد توجه محققان بوده است، که دو مطالعه انجام شده در دانشگاه شیراز از آن جمله اند. نتایج این مطالعات نشان می دهد که اشتغال مادران بر پیشرفت تحصیلی فرزندان و یا موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی آنان تاثیر نامطلوبی نمی گذارد.<sup>۹</sup>

با توجه به اینکه توانایی ها و استعدادهای کودک در خانواده پرورش یافته و شکوفا می شوند لازم است که محیط برای چنین رشد و شکوفایی مساعد باشد. از یک طرف مادران شاغل به دلیل آن که ساعات بیشتری را در خارج از خانه بسر می برند فرصت و حوصله کافی برای ابراز محبت به کودک را در اختیار ندارند و از طرف دیگر کودک با حالت و رفتار عصبی مادران و پدران خسته از کار برگشته روبرو می شود حالتی که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بر رفتار کودک اثر می گذارد. بر اساس این مقدمات در رابطه با اشتغال مادر و اثرات آن بر تربیت کودک فرضیات زیر مطرح و به آزمون گذاشته شده است.

فرضیه اول: هر اندازه تحصیلات مادر بیشتر باشد دخالت او در تربیت کودک بیشتر می شود.

فرضیه دوم: هر اندازه تحصیلات پدر بیشتر باشد دخالت او در تربیت کودک بیشتر می شود.

فرضیه سوم: هر اندازه ساعات کار مادر بیشتر و حضور او در خانه کمتر باشد مشارکت و سهیم شدن دیگران در تربیت کودک بیشتر می شود.

فرضیه چهارم: هر چند تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده بیشتر باشد توجه به تربیت فرزندان کمتر می شود.

## روش تحقیق

جامعه آماری این مطالعه یک گروه ۸۱۰ نفری از زنان متأهل شیرازی است. سن آنان در فاصله ۲۰ تا ۴۵ سالگی و شامل دو گروه شاغل و غیر شاغل زیر می باشد. گروه شاغل زنانی را در بر می گیرد که حداقل ۶ ماه از زمان اشتغال آنان گذشته باشد و گروه غیر شاغل زنان خانه دارند که گروه کنترل را تشکیل می دهند. میانگین سن زنان و شوهران آنها به ترتیب ۳۳ و ۳۷ سال است و متوسط تحصیلات آنها نیز حدود هشت سال می باشد.

در نمونه گیری از سه شیوه طبقه ای، خوشه ای، و تصادفی ساده استفاده شده است. از آنجا که مشاغل زنان از ساختی متجانس برخوردار نیست لذا آنها را به ۵ گروه عمده زیر تقسیم بندی و سپس در هر گروه به نسبت تعداد آن نمونه گیری کرده ایم: (۱) فرهنگی، (۲) اداری و دفتری، (۳) بیمارستانی، (۴) کارگری، و (۵) خصوصی.

نمونه گیری از مشاغل فرهنگی در مرحله اول بصورت خوشه ای بوده بدین ترتیب که با مراجعه به نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز و گرفتن فهرستی از مدارس دخترانه و پسرانه در مقاطع مختلف، از هر مقطع چند مدرسه به صورت تصادفی انتخاب گردید. تعداد زنان شاغل در آموزش و پرورش شیراز که در نواحی چهارگانه شیراز توزیع شده اند ۶۳۳۶ نفر بودند که از این عده ۱۹۸۰ نفر در ناحیه یک، ۱۱۳۰ نفر در ناحیه دو، ۱۷۴۸ در ناحیه سه، و ۱۴۷۸ نفر بقیه در ناحیه چهار مشغول به کار بوده اند<sup>۱</sup>، که از هر ناحیه یک نمونه ۵ درصدی انتخاب گردید.

گروه دوم مشاغل اداری و دفتری اند که با مراجعه به ادارات و سازمانهای موجود در شیراز چون دانشگاه، استانداری، شهرداری، سازمان برنامه و بودجه، و بانکها و تهیه فهرستی از زنان متأهل بیست درصد از آنها بطور تصادفی انتخاب گردید.

گروه سوم زنان شاغل در بیمارستانها و مراکز درمانی را در بر می گرفت. با مراجعه به بیمارستانهای شهید فقیهی، نمازی، حافظ، زایشگاه شوستری و همچنین دانشکده پرستاری و مامائی فهرستی از زنان متأهل شاغل در این گروه تهیه و بیست درصد از آنان بطور تصادفی انتخاب گردید.

گروه چهارم مشاغل کارگری را تشکیل می دهد که کارخانجات مخابرات ایران را به دلیل حضور تعداد زیادی کارگر زن در این نهاد کارگری انتخاب کردیم. در این کارخانه زنان

در سه بخش اداری، مورتاژ، و شیرخوارگاه مشغول بکارند که پس از تهیه فهرستی از زنان متاهل در هر بخش ده درصد از آنها بصورت تصادفی برگزیده شدند.

مشاغل خصوصی آخرین گروه شغلی زنان در این مطالعه است و شامل تمام زنان متاهل در مقوله آرایشگران، خیاطان، فروشندگان بوتیک ها، منشیان مطب های خصوصی، متصدیان آزمایشگاهها، و کارکنان بیمارستانهای خصوصی در سطح شیراز می باشد. این گروه افراد مختلفی را از لحاظ سطح تحصیل و وضعیت اجتماعی - اقتصادی در بر می گرفت.

زنان غیر شاغل و یا خانه دار که قبلاً از آنها بعنوان گروه کنترول نام بردیم بر اساس طرح فهرست برداری شهر شیراز، که در آن شهر برحسب وسعت و تراکم جمعیت به ۹ منطقه تقسیم شده است، به تناسب جمعیت و به شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند.

در جمع آوری اطلاعات از یک «فهرست از قبل تعیین شده اطلاعاتی» که در آن همه سئوالات مربوط به مشخصات فردی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و نحوه مراقبت مادر از کودک به دقت گنجانده شده بود استفاده گردید این برگه اطلاعاتی به مدت یک ماه بصورت ملاقات حضوری و مصاحبه خود محقق با تک تک پاسخگویان تکمیل و همه اطلاعات درخواستی در آن ثبت و ضبط گردید. اطلاعات بدست آمده پس از انجام مقدمات لازم به مرکز محاسباتی سپرده شد تا محاسبات آماری، و در راس همه آگاهی بر میزان و جهت رابطه میان هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته با یکدیگر، انجام و استخراج گردند.

در این مطالعه متغیر مستقل اشتغال زنان و متغیر وابسته رسیدگی و مراقبت از کودکان می باشد. متغیر وابسته با ۶ شاخص مراجعه به مدرسه، توجه به آموزش کودک در خانه، دادن پول توجیبی به کودک، حساب بردن کودک از والدین، و تنبیه اندازه گیری شده است. ساعات کار، تحصیلات هر یک از والدین، و تعداد فرزندان خانواده متغیرهای واسطه ای در این مطالعه بوده اند.

## یافته‌ها

بر طبق جدول شماره یک حدود ۳۰ درصد از آزمودنی ها عهده دار مشاغل فرهنگی می باشند و حضور آنان در سایر گروههای شغلی اندک و در هیچ موردی از مرز ۸ درصد تجاوز

## جدول ۱

توزیع فراوانی و درصد اشتغال آزمودنی ها

درصد	تعداد	نوع شغل
۲۸/۹	۲۳۴	فرهنگی
۸/-	۶۵	اداری
۷/۹	۶۴	کارگری
۶/۵	۵۱	درمانی
۵/۷	۴۶	خصوصی
۴۳/-	۳۵۰	خانه دار
۱۰۰	۸۱۰	جمع

نمی کند. دلیل تمایل زنان به اشتغال در آموزش و پرورش ممکن است ناشی از سنت و عرف جامعه دائر بر مناسبترین کار برای آنان باشد. ممکن است کم بودن ساعات کار معلمین و داشتن تعطیلات بیشتر در طول سال دلیل گرایش آنان بدین شغل باشد، و همچنین ممکن است عدم نیاز به مهارت و تخصص بسیار بالا موجب جذب آنها بدین نوع از اشتغال شده باشد.

بر طبق جدول شماره ۲ ساعات کار مادران در خارج از خانه به سه دسته کمتر از چهار ساعت، چهار تا پنج ساعت و شش تا هشت ساعت در روز تقسیم بندی شده است.

## جدول ۲

توزیع فراوانی آزمودنی ها برحسب ساعات کار در روز

درصد	تعداد	ساعات کار
۴/۵	۲۰	کمتر از ۴ ساعت
۴۳/۵	۱۹۴	۴ تا ۵ ساعت
۵۲/-	۲۳۳	۶ تا ۸ ساعت
۱۰۰	۴۴۷	جمع

حدود ۵۲ درصد از آزمودنی های این پژوهش روزانه بین ۸ تا ۶ ساعت در خارج از خانه مشغول بوده و کمتر از ۵ درصد از آنها ساعاتی کمتر از ۴ ساعت را بدور از خانه و خانواده گذرانده اند.

در جدول شماره ۳ توزیع درصد سرکشی به مدرسه و کمک به درس بر حسب ساعات کار مادران نشان داده شده است. همانطور که قبلاً گفته شد تربیت کودک با شش شاخص سرکشی به مدرسه، توجه به درس و آموزش در خانه، پول توجیبی، حساب بردن از والدین، تنبیه، و در میان گذاشتن مشکلات اندازه گیری شده اند. اولین و دومین شاخص در جهت مراقبت از تحصیل فرزندان است. سوال این است که آیا در دو نوع خانواده تفاوتی وجود دارد و آیا مسئولیتهائی که زن شاغل در خارج از خانه بر عهده دارد از وظایف درونی خانه او می کاهد؟ آیا تفاوتی میان فضای فرهنگی خانواده ها وجود دارد که موجب تفاوت در عملکرد آموزش کودکان باشد؟

### جدول ۳

توزیع درصد سرکشی به مدرسه و کمک به درس در خانه  
بر حسب ساعات کار مادران

ساعات کار	۱-۵ ساعت		شاغل ۶-۸ ساعت		خانه دار
	سرکشی به مدرسه و کمک به درس	سرکشی به کمک به مدرسه	سرکشی به کمک به درس	سرکشی به مدرسه	
مادر	۴۹/۷	۵۱/۴	۴۸/۶	۴۴/۴	۴۲/۳
پدر	۹/۲	۵/۳	۷/۵	۸/۴	۸/۳
دیگران	۲/۹	۲/۴	۲/۷	۴/-	۴/۳
هیچکس	۳/۹	۵/۳	۴/-	۶/۳	۵/۲
غیروارد	۳۴/۳	۳۵/۶	۳۷/۲	۳۶/۹	۳۹/۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

\* غیروارد: گروهی از زنان را شامل می شود که دارای بچه در سنینی که به مدرسه بروند نیستند.

$$/۰۵۹۹ = \text{گاما (سرکشی به مدرسه)}$$

$$/۰۸۷۰ = \text{گاما (کمک به درس)}$$



دو شاخص دیگر یکی تنبیه و دیگری حساب بردن کودک از والدین است. کدامیک از والدین در مقابل خطای کودک واکنش نشان می دهند؟ آیا اشتغال زن تغییری در قدرت پدر و حساب بردن کودکان از او ایجاد کرده است؟ شاخص های دیگری که جهت تعیین گرایش والدین بکار گرفته شده عبارتند از اینکه کودک مشکلاتش را با چه کسی در میان می گذارد و پول توجیبی را از کدامیک از والدین دریافت می کند؟ کدامیک از والدین توانسته اند جو عاطفی خانواده را مساعد برقراری این روابط بسازند و زمینه گرایش کودک را بسوی خویش ایجاد کنند؟ این شاخص ها با متغیرهای مستقل ساعات کار مادر میزان تحصیلات مادر و پدر، و تعداد فرزندان خانواده مورد بررسی قرار گرفته اند. همانطور که از جدول شماره ۳ بر می آید مسئولیت تماس با مدرسه بیشتر به عهده مادر است و همه مادران آثرا بعنوان مسئولیتی علاوه بر مسئولیتهای قبلی خویش پذیرفته اند، با این تفاوت که مادران شاغلی که روزانه ۸ تا ۶ ساعت در خارج از خانه بسر می برند بیشتر از زنان خانه دار به مدرسه سر می زنند.

مشارکت والدین در پیشرفت امور تحصیلی فرزندان، با کمک و توجه به آنان در خانه، نیز وظیفه ای است که مادران بر عهده دارند، هر چند با افزایش ساعات کار توجه مادران نیز کاهش می یابد این کاهش موجب می شود تا پدران بیشتر در این وظیفه سهیم گردند. این دو شاخص نشان می دهند که خانواده های مورد مطالعه خانواده هایی فعال و از نظر فرهنگی پویا می باشند بدین معنی که هم با مسئولین مدرسه رابطه برقرار می کنند و هم در خانه به درس فرزند خویش توجه می نمایند.

مقادیر گاما در مورد «سرکشی به مدرسه» و «توجه به درس کودک در خانه» به ترتیب  $0/0870$  و  $0/0599$  می باشد که جهت این مقادیر بر ارتباط مثبت و هر چند ضعیف در بین متغیرها دلالت دارند.

در جدول شماره ۴ توزیع درصد تنبیه کودک و حساب بردن از والدین بر حسب ساعات کار مادران نشان داده شده است. بر اساس این جدول بنظر می رسد که این مادرانند که در مقابل خطای کودکان واکنش زیادتری از خود نشان می دهند. با افزایش ساعات کار مادران میزان تنبیه نیز افزایش می یابد بطوری که حدود ۳۸ درصد از مادرانی که روزانه بین یک تا ۵ ساعت و حدود ۴۹ درصد از مادرانی که بین ۶ تا ۸ ساعت در خارج از خانه بسر می برند اقدام به تنبیه فرزندان خود کرده اند. مقدار گاما  $0/0954$  - می باشد که مبین ارتباطی منفی و ضعیف در بین این دو متغیر است. علی رغم این حالت هنوز فرزندان از پدر بیشتر حساب می برند، زیرا بهر صورت پدر در راس هرم قدرت خانواده است هر چند که این قدرت را عملاً به نمایش بگذارد. موضوع قابل توجه در این جدول

## جدول ۴

## توزیع درصد تنبیه و حساب بردن از والدین

## برحسب ساعات کار مادران

ساعات کار	۱-۵ ساعت		شاغل		۶-۸ ساعت		خانه دار
	تنبیه حساب بردن		تنبیه حساب بردن		تنبیه حساب بردن		
مادر	۲۲/۸	۳۷/۷	۴۹/۱	۳۸/۵	۴۶/۷	۲۶/۴	
پدر	۴۳/۸	۲۲/۷	۲۲/۴	۳۴/۹	۲۵/۴	۴۷/۸	
هر دو	۱۷/-	۲۶/۱	۱۷/۱	۱۱/۲	۱۴/۴	۱۰/۷	
غیر وارد	۱۶/۴	۱۳/۵	۱۱/۴	۱۵/۴	۱۳/۵	۱۵/۱	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

گاما (تنبیه) = -/۰۹۵۴

گاما (حساب بردن) = -/۰۳۷۴

افزایش میزان حساب بردن کودک از مادر همراه با افزایش ساعات کار او است. اگر بپذیریم که مادر به دلیل بعد عاطفی قوی خویش همواره پناهگاه فرزند است و همین امر موجب حساب بردن از او می گردد، در این صورت ساعات بیشتر کار مادر که همراه با نوعی خستگی است موجب برخوردی سرد و گناه خشونت آمیز می گردد و در نتیجه نقش او مشابه نقش پدر می شود. مقدار گاما -/۰۳۷۴ است که ارتباط منفی این دو متغیر را نشان می دهد.

در جدول شماره ۵ بین تحصیلات این زنان و مسئولیت سرکشی به مدرسه رابطه ای معکوس بچشم می خورد. این حالت تا حدود زیادی به میزان افزایش در مسئولیت پدر منجر شده است ولی در مورد زنان با تحصیلات دیپلم و بالاتر کاهش هم در مورد مادران و هم در مورد پدران دیده می شود و افزایش در مقوله غیر وارد (گروهی که دارای فرزندی که به مدرسه برود نیستند) می باشد. این روند در مورد توجه به کودک در خانه نیز صادق است. حدود ۳۷ درصد از مادران بیسواد در خانه به کودک توجه دارند که توجه آنها بیشتر در زمینه تشویق و تنبیه و وادار کردن کودک به درس خواندن است. اما حدود ۴۱ درصد از زنانی که میزان تحصیلاتشان دیپلم و بالاتر است در

## جدول ۵

توزیع درصد سرکشی به مدرسه و کمک به درس در خانه

برحسب میزان تحصیلات مادر

دیپلم و بالاتر		ابتدائی - سیکل		بیسواد		میزان تحصیلات سرکشی به مدرسه و کمک به درس
سرکشی به مدرسه	کمک به درس	سرکشی به مدرسه	کمک به درس	سرکشی به مدرسه	کمک به درس	
۴۱/۳	۴۱/۸	۵۳/-	۵۵/۴	۳۷/۵	۶۶/-	مادر
۴/۹	۷/۵	۱۱/-	۹/۱	۱۵/-	۵/۷	پدر
۵/۳	۴/۷	۵/-	۸/۱	۳/۵	۱۱/۶	هیچکس
۲۸/۵	۴۶/-	۳۱/-	۲۷/۵	۴۴/-	۱۶/۷	غیر وارد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

۰/۲۴۵۵ = گاما (سرکشی به مدرسه)

۰/۲۸۲۹ = گاما (کمک به درس)

خانه به کودک توجه می کنند که با توجه به بالا بردن درصد غیر واردها این روند قابل قبول است. مقادیر گاما در مورد «سرکشی به مدرسه» و «توجه به درس او در خانه» به ترتیب ۰/۲۸۲۹ - و ۰/۲۴۵۵ می باشد که بیانگر ارتباط مثبت میان این متغیرها می باشد.

در جدول شماره ۶ دو شاخص تنبیه کردن کودک و حساب بردن از والدین با متغیر مستقل تحصیلات مادر به بررسی گذاشته شده است. بر طبق این جدول با افزایش میزان تحصیل، درصد مادرانی که به تنبیه کودک می پردازند کاهش می یابد و تنبیه هم بوسیله پدر و هم بوسیله مادر انجام می شود. در خصوص حساب بردن از والدین همانطور که از جدول بر می آید، الگوی سستی همچنان حاکم بر خانواده است و بچه ها بیشتر از پدر حساب می برند ولی در این مورد نیز با افزایش تحصیلات مادر روند کاهشی بخود می گیرد و این کاهش به موازات افزایش در مقوله غیر واردها می باشد مقادیر گاما به ترتیب ۰/۱۸۳ / و ۰/۲۷۲ / می باشد که ارتباط مثبت میان دو متغیر را نشان می دهد.

## جدول ۶

توزیع درصد تنبیه و حساب بردن از والدین  
برحسب تحصیلات مادر

تنبیه و حساب بردن		تنبیه حساب بردن		تنبیه حساب بردن		تحصیلات مادر
دیلم به بالاتر	تنبیه حساب بردن	ابتدائی و سیکل	تنبیه حساب بردن	پیسواد	تنبیه حساب بردن	
۲۶/-	۳۹/۳	۳۲/۹	۳۸/۱	۳۷/-	۵۷/۱	مادر
۴۰/۳	۲۲/۲	۴۵/۳	۴۳/۸	۴۶/-	۲۸/۶	پدر
۱۳/۲	۲۲/۹	۱۰/۵	۸/۴	۴/-	۹/۵	هر دو
۲۰/۵	۱۵/۶	۱۱/۳	۹/۷	۱۳	۴/۸	غیر وارد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

همان گونه که از جدول شماره ۷ بر می آید، این دو شاخص که کودک مشکلاتش را با چه کسی در میان می گذارد و پول توجیبی را از کدامیک از والدین می گیرد بیشترین فراوانی مربوط به پاسخ مادرانی است که توانسته اند زمینه ارتباط صحیح را با کودکان خویش فراهم کنند. اما با

## جدول ۷

توزیع درصد «پول توجیبی گرفتن» و در میان گذاشتن  
مشکلات با والدین برحسب تحصیلات مادر

تنبیه و بالاتر		تنبیه حساب بردن		تنبیه حساب بردن		تحصیلات مادر
دیلم و بالاتر	پول توجیبی طرح مشکلات	ابتدائی و سیکل	پول توجیبی طرح مشکلات	پیسواد	پول توجیبی طرح مشکلات	
۴۴/۴	۳۳/۳	۵۸/۷	۴۸/۱	۶۹/۳	۷۶/۷	مادر
۹/۵	۱۹/۶	۱۰/-	۲۳/۸	۹/۵	۱۶/۴	پدر
۱۶/۶	۲۲/۲	۱۲/۱	۱۱/۲	۵/۵	۲/۳	هر دو
۲۹/۵	۲۴/۹	۱۹/۲	۱۶/۹	۱۵/۷	۴/۶	غیر وارد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

۲۸۰۵ / گاما (پول توجیبی)  
۳۴۶۳ / گاما (طرح مشکلات)

افزایش تحصیلات مادر این روند آهنگ کاهشی دارد. البته این کاهش را نباید به حساب ضعف مادران گذاشت چرا که افزایش یا در ردیف غیرواردهاست یا در ردیفی که کودک تمایل هم به پدر دارد و هم به مادر. مقادیر گاما به ترتیب  $۳۴۶۳/۰$  و  $۲۸۰۵/۰$  است بر ارتباط مثبت این متغیرها دلالت دارد و در رابطه با رسیدگی به وضعیت تحصیلی کودک انتظار می رود که تحصیلات پدر متغیر موثری باشد. این متغیر را با دو شاخص «سرکشی به مدرسه» و «توجه به درس کودک در خانه» مورد بررسی قرار داده ایم. همان گونه که از جدول شماره ۸ بر می آید بیشترین فراوانی در هر سطح تحصیلی پدر مربوط به ردیفی است که مادر این مسئولیت را بعهده دارد و پدران سهم عمده ای ندارند. البته روند افزایش در مقوله غیر واردها قابل توجه است. مقادیر گاما به ترتیب  $۲۳/۰$  و  $۲۷/۰$  می باشد که بیانگر ارتباط مثبت این متغیرها می باشد.

## جدول ۸

توزیع درصد «سرکشی به مدرسه» و «کمک به درس در خانه»

بر حسب تحصیلات پدر

میزان تحصیلات		بیسواد		ابتدائی و سیکل		دیپلم و بالاتر	
سرکشی به مدرسه و کمک به درس	سرکشی به مدرسه	کمک به درس	سرکشی به مدرسه	کمک به درس	سرکشی به مدرسه	کمک به درس	سرکشی به مدرسه
مادر	۷۲/۷	۵۴/۵	۵۳/-	۵۰/۷	۴۲	۴۰/۹	
پدر	۹/۱	۱۱/۴	۵/۶	۸/۴	۹/۴	۷/-	
دیگران	۲/۳	۲۰/۵	۱/۴	۳/۸	۱/۸	۲/۴	
هیچکس	۹/۱	۶/۸	۷/-	۴/۶	۳/۴	۶/-	
غیروارد	۶/۸	۶/۸	۳۳/-	۳۲/۵	۴۳/۴	۴۳/۷	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

$۲۷/۰ =$  گاما (سرکشی به مدرسه)

$۲۳/۰ =$  گاما (کمک به درس)

آخرین متغیر مستقل تعداد فرزندان زنده دنیا آمده است که می تواند بر توجه و رسیدگی فرزند موثر واقع شود. همانطور که از جدول شماره ۹ بر می آید مادران سهم عمده ای در انجام این وظایف بر عهده دارند و پدران کمتر به ایفاء نقش می پردازند. با افزایش تعداد فرزندان از سهم مادر کاسته شده و به سهم پدر افزوده می شود. علاوه بر این بعد سومی که در خانواده ها پیدا می شود و بخشی از مسئولیت را بر عهده می گیرد فرزند یا فرزندان بزرگتر خانواده اند. نکته قابل توجه در این جدول بالا رفتن درصد مربوط به بی توجهی به درس کودک در خانه است. همچنین تفاوت زیاد در صد هایی است که متعلق به سهم پدر و مادر در توجه به درس کودک می باشد. مقادیر و جهت گاما افزایش بی توجهی با افزایش تعداد فرزندان را نشان می دهد (۰/۲۷۴۷ و ۰/۲۶۷۴).

## جدول ۹

توزیع درصد «سرکشی به مدرسه» و «کمک به درس در خانه»

برحسب تعداد فرزندان

تعداد فرزندان سرکشی به مدرسه و کمک به درس	تعداد فرزندان ۱-۳		تعداد فرزندان ۴-۵		تعداد فرزندان ۶-۷ و بیشتر	
	سرکشی به مدرسه	کمک به درس	سرکشی به مدرسه	کمک به درس	سرکشی به مدرسه	کمک به درس
مادر	۴۹/۳	۵۰/۹	۷۲/۸	۶۲/۸	۶۳/۶	۵۰
پدر	۷/۸	۷/۱	۱۲/۸	۱۷/۲	۲۲/۷	۱۸/۲
دیگران	۱/۵	۱۳/۷	۲/۸	۷/۱	۹/۲	۱۸/۲
هیچکس	۴/۲	۵/۹	۱۰/۶	۸/۶	۴/۵	۱۳/۶
غیروارد	۳۷/۲	۲۲/۴	۱/۶	۴/۳	-	-
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

گاما (سرکشی به مدرسه) = ۰/۲۶۷۴

گاما (کمک به درس) = ۰/۲۷۴۷

## تجزیه و تحلیل یافته ها

با استفاده از روش آماری رگرسیون مرکب ارتباط میان متغیرهای اقتصادی - اجتماعی را با تربیت کودک اندازه گیری کرده ایم. متغیرهای مستقل عبارتند از: تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، ساعات کار مادر، نوع شغل مادر، و تعداد بچه های زنده بدنیا آمده. ساعات کار مادر و تعداد بچه های زنده بدنیا آمده متغیرهای پیوسته<sup>۱۱</sup> می باشند و لذا بدون تغییر وارد معادله شده اند. تحصیلات والدین و نوع شغل مادر متغیرهای دسته بندی<sup>۱۲</sup> شده اند و بناچار از متغیرهای ساختگی<sup>۱۳</sup> استفاده شده است. در متغیرهای تحصیلات والدین، مقطع دیپلم را بصورت گروه مرجع تلقی کرده و به آن صفر داده ایم. بقیه مقاطع تحصیلی را معادل یک قرار داده تا امکان سنجش نسبت به گروه فراهم گردد. بدین ترتیب در متغیرهای شاغل زنان خانه دار را نیز گروه مرجع معادل با صفر و بقیه گروههای شغلی را معادل با یک قرار داده ایم. متغیر وابسته درجات رسیدگی بر کودک و تربیت او می باشد.

در تحلیل مساله از روش تجزیه و تحلیل واریانس استفاده کرده ایم بدین ترتیب ابتدا میزان تحصیلات مادر را وارد معادله کردیم و با توجه به مقادیر  $R^2 = 0.04$  و  $F = 6/263$  رابطه معنی دار بود و بدین معنی است که چهار صدم از واریانس متغیر وابسته توسط این متغیر تعیین می شود. سپس نوع شغل مادر وارد معادله شده و با توجه بدین که مقادیر  $R^2$  و  $F$  به ترتیب  $0.06$  و  $5/509$  می باشد رابطه معنی دار است و بنابراین قدرت پیش بینی متغیر وابسته به  $0.06$  درصد می رسد. آنگاه تحصیلات پدر وارد معادله شد و با توجه مقادیر  $R^2$  و  $F$ ، که به ترتیب  $0.07$  و  $4/081$  می باشد، معنی دار بودن ارتباط تأیید می گردد. در مرحله بعد ساعات کار وارد معادله شد و با توجه به مقادیر  $R^2 = 0.07$  و  $F = 3/822$  رابطه معنی دار است و قدرت پیش بینی متغیر وابسته  $7$  صدم درصد می باشد. در آخرین مرحله تعداد کودکان زنده بدنیا آمده وارد معادله شد و مقادیر  $R^2 = 0.31$  و  $F = 21/07$  نشان از معنی دار بودن رابطه دارند. در مجموع این متغیرهای پنجگانه قادرند  $31$  درصد از تغییر را پیش بینی کنند. در جدول شماره  $10$  مقادیر  $R^2$  همراه با سطح معنی داری  $F$  ارائه شده اند.

## جدول ۱۰

مقادیر  $R^2$  و F برحسب متغیرهای مستقل

متغیر	متغیرها	$R^2$	F
۱	تحصیلات مادر	۰/۴۰	۶/۲۶۳
۲	نوع شغل مادر	۰/۰۶	۵/۵۰۹
۳	تحصیلات پدر	۰/۰۷	۴/۰۸۱
۴	ساعات کار مادر	۰/۰۷	۳/۸۲۲
۵	تعداد بچه های زنده بدنیا آمده	۰/۳۱	۲۱/۰۷۷

همه ضرائب در سطح ۵ درصد معنی دار می باشند.

همچنین برای مشخص نمودن سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش بینی متغیر وابسته از معادله رگرسیون مرکب استفاده شد بدین ترتیب هر کدام از متغیرهای مستقل مرحله به مرحله وارد معادله شد تا میزان مشارکت هر یک بطور جداگانه در توضیح واریانس متغیر وابسته مشخص گردد. ابتداء متغیر مستقل تحصیلات مادر را وارد معادله کرده ایم. این متغیر ۴ درصد از واریانس موجود در متغیر وابسته را توضیح می دهد. ضرائب بتا ( $\beta$ ) نشان می دهد که رابطه سطوح تحصیلی مادر با درجات تربیت کودک، به استثنای مادران دارای درجات تحصیلی لیسانس و بالاتر، مثبت می باشد و بدین سان فرضیه اول تایید می گردد. در مورد مادران دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر باید توجه کرد که رفتار باروری زن معمولاً تحت تاثیر تحصیلات او قرار می گیرد. بدین ترتیب که بالا رفتن سطح تحصیلات موجب بالا رفتن سن ازدواج می گردد و بالا رفتن سن ازدواج احتمال تنظیم باروری را بیشتر می کند. مضافاً به این که بالا بودن درصد مقوله «غیر وارد» در این مورد (جدول ۵ و ۶) نیز می تواند تایید بر آن باشد.

در مرحله دوم شغل مادر وارد معادله و با توجه به ضرائب بدست آمده رابطه همه گروههای شغلی به استثنای کارگران ماهر و درجات لیسانس و بالاتر مثبت می باشد.



جدول ۱۱

رگرسیون تربیت کودک بر متغیرهای مستقل در معادله ۱

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب B	متغیرهای مستقل	تخصصیات مادر
/۷۱۲۳	۱/۴۹۷	/۴۵۲	لیسانس و بالاتر	
/۵۸۷۲	۱۱/۰۸۳	۰/۱۲۷۰	فوق دیپلم	
/۵۲۷۰	۱۳/۷۶۱	/۱۴۳۲	سیکل	
/۶۱۰۷	۲۳/۳۷۱	/۱۸۳۰	ابتدائی	
/۷۶۵۱	۳/۱۱۴	/۰۶۳۷	بیسواد	
نسبت F = ۶/۲۶		$R^2 = /۰۴$		

جدول ۱۲

رگرسیون تربیت کودک بر متغیرهای مستقل در معادله ۲

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب B	متغیرهای مستقل	تخصصیات مادر	
۰/۸۴۵۵	۰/۳۵۸	-/۰۲۶۲	لیسانس و بالاتر		
۰/۷۶۶۵	۰/۳۲۱	/۰۲۸۲	فوق دیپلم		
۰/۵۹۳۹	۲۱/۷۲۷	۰/۱۹۵۳	سیکل		
۰/۶۶۳۲	۳۱/۵۳۷	۰/۲۳۰۹	ابتدائی		
۰/۸۰۹۵	۶/۹۹۷	۰/۱۰۲۶	بیسواد		
۰/۸۰۵۳	۱۵/۰۶۹	۰/۲۱۱۲	متخصصین	نوع شغل مادر	
۰/۷۴۶۳	۷/۰۵۲	۰/۱۰۴۸	نیمه متخصص		
۰/۵۹۰۴	۸/۵۱۷	۰/۱۲۴۲	کارمندان جزء		
۰/۸۳۴۷	/۴۶۱	-/۰۲۴۳	کارگر ماهر		
۱/۱۱۹۵	۳/۸۳۰	/۰۶۸۳	کارگر ساده		
نسبت F = ۵/۵۰۹		$R^2 = /۰۶$			

در مرحله سوم متغیر مستقل تحصیلات پدر وارد معادله گردید که ضرایب رگرسیون برای هر دو گروه پدران دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر و فوق دیپلم به ترتیب ۳ و حدود سه صدم می باشد که هیچکدام معنی دار نیستند. همچنین پدرانی که دارای تحصیلات سیکل برده اند با توجه به مقادیر ضرایب مربوط به آنها رابطه معنی داری را نشان نمی دهند اما آن دسته از پدرانی که تحصیلات ابتدائی دارند با توجه به ضریب رگرسیون ۸/۵۶ و مقدار  $F_{3/72}$  رابطه معنی دار

## جدول ۱۳

## رگرسیون تربیت کودک بر متغیرهای مستقل در معادله ۲

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب B	متغیرهای مستقل	
۰/۸۹۸۴	/۵۵۰	-/۰۳۲۶	لیسانس و بالاتر	تحصیلات مادر
۰/۷۷۹۸	/۱۵۷	/۰۲۰۰	فوق دیپلم	
۰/۶۱۸۸	۱۹/۷۰۹	/۱۹۳۸	سیکل	
۰/۷۳۸۵	۱۹/۸۶۴	/۲۰۴۱	ابتدائی	
۰/۹۴۷۸	۳/۴۳۰	/۰۸۴۱	بیسواد	
۰/۸۱۱۹	۱۴/۹۷۴	/۲۱۲۳	متخصصین	تحصیلات پدر
۰/۷۴۷۷	۷/۷۰۹	/۱۰۹۷	نیمه متخصص	
۰/۵۹۵۲	۸/۶۰۱	/۱۲۵۷	کارمندان جزء	
۰/۸۴۸۲	/۳۵۵	-/۰۲۱۷	کارگر ماهر	
۱/۱۲۷۶	۳/۴۴۶	/۰۶۵۲	کارگر ساده	
۰/۵۶۶۹	/۲۵۸	/۰۳۰۰	لیسانس و بالاتر	تحصیلات مادر
۰/۷۶۵۱	/۵۳۸	/۰۲۸۴	فوق دیپلم	
۰/۶۸۸۱	۰/۲۷۴	-/۰۲۰۹	سیکل	
۰/۶۸۸۷	/۳۷۲	/۰۸۵۶	ابتدائی	
۰/۸۴۸۶	/۲۵۸	/۰۲۲۷	بیسواد	

$$F_{نسبت} = ۴/۰۱۸۴$$

$$R^2 = /۰۷$$

می باشد. در مورد پدران بیسواد نیز با داشتن ضریب رگرسیون  $2/27$  رابطه معنی دار است و با توجه به مقدار  $R^2 = 0/71$  تنها می تواند حدود ۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. بدین سان در این مرحله رابطه آماری معنی دار نیست و فرضیه دوم تأیید نمی شود. این مسئله بیانگر آن است که رسیدگی به کودک از وظایف مادران است و بعنوان کاری زنانه و یا وظیفه ای از وظایف زنان تلقی می شود.

ساعات کار مادر در مرحله چهارم وارد معادله گردید. با توجه به مقدار  $R^2$  بین این دو

## جدول ۱۴

## رگرسیون تربیت کودک بر متغیرهای مستقل در معادله ۴

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب B	متغیرهای مستقل
۰/۹۰۲۵	۰/۵۴۱	-۰/۰۳۴۴	لیسانس و بالاتر
۰/۷۸۰۳	۰/۱۵۷	۰/۰۲۰۰	فوق دیپلم
۰/۶۲۰۲	۱۹/۶۴	۰/۱۹۳۹	سیکل
۰/۷۳۹۱	۱۹/۸۲	۰/۲۰۴۰	ابتدائی
۰/۹۲۸۷	۳/۴۲	۰/۰۸۴۱	بیسواد
۱/۱۱۸۹	۸/۰۳۰	۰/۲۱۳۳	متخصصین
۱/۳۸۴۵	۲/۳۴۴	۰/۱۱۲۱	نیمه متخصص
۱/۱۴۲۲	۲/۴۳۵	۰/۱۲۸۵	کارمندان جزء
۱/۵۰۶۷	۰/۰۹۳	-۰/۰۱۹۷	کارگر ماهر
۱/۵۹۸۲	۱/۷۸۶	۰/۰۶۶۶	کارگر ساده
۰/۵۶۷۳	۰/۲۵۶	۰/۰۲۹۶	لیسانس و بالاتر
۰/۷۶۵۶	۰/۵۳۷	۰/۰۲۸۴	فوق دیپلم
۰/۶۸۸۶	۰/۲۷۴	-۰/۰۲۱۰	سیکل
۰/۶۸۹۴	۰/۷۰۸	۰/۰۸۵۷	ابتدائی
۰/۸۵۱۲	۰/۲۵۹	۰/۰۲۲۹	بیسواد
۰/۱۸۰۸	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳۶	ساعات کار مادر

نسبت F = ۳/۸۲

 $R^2 = 0/7$

متغیر ارتباط معنی داری وجود ندارد و بدین سان فرضیه سوم نیز رد می شود. می توان استنباط کرد که مادران رسیدگی به کودکان را از وظایف اصلی و اولیه خود تلقی می کنند و علی رغم خستگی های ناشی از کار وظایف اصلی خود را در ایجاد جو عاطفی مناسب در خانه مورد غفلت و فراموشی قرار نمی دهند.

در مرحله پنجم متغیر تعداد بچه های زنده بدنیا آمده وارد معادله گردید و همان گونه که از جدول شماره ۱۵ بر می آید رابطه معنی دار است. این متغیر تغییرات محسوسی در ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل دیگر بوجود آورده و منجر به کاهش آنها شده است. وجود رابطه معکوس معنی دار فرضیه چهارم را تأیید می نماید و نشان می دهد که بین افزایش تعداد فرزندان و توجه و رسیدگی به آنان رابطه ای منفی وجود دارد. بدین معنی که هر چه تعداد فرزندان زیاد تر باشد احتمال رسیدگی به آنان نیز کاهش می یابد. اگر تعداد فرزندان کمتر باشد مادر فرصت بیشتری دارد تا از آنها مراقبت کند در حالی که اگر تعداد آنان بیشتر باشد فرصت ها باید بین آنها تقسیم شود و در نتیجه سهم کمتری عاید آنها می شود.

### نتیجه گیری

افزایش میزان مشاغل در جامعه، که بازتابی از تغییر در ساخت اقتصادی اجتماعی است، موجب جذب زنان به بازار کار گردیده است زنانی که قبل از این تحولات تنها در محدوده خانه فعال بودند هم اکنون نقشی تازه بر عهده گرفته و وارد تغییراتی که در تقسیم کار صورت گرفته است شده اند. مضافاً به اینکه این تغییرات موجب گردیده که روابط خانوادگی از قالب سنتی خود بیرون آید. رسیدگی و تربیت کودک، بعنوان یکی از وظایف سنتی زن، از این تغییرات برکنار نمانده است. در مطالعه حاضر رسیدگی و مراقبت از کودک به عنوان متغیر وابسته، با چند متغیر مستقل به بررسی گذاشته شده است. به منظور تعیین تاثیر خالص این متغیرها بر متغیر وابسته از روش آماری رگرسیون مرکب سود برده و در تحلیل نهائی بدین نتیجه رسیده ایم که: (۱) هر چه تحصیلات مادر بیشتر باشد توجه و مراقبت از فرزند نیز بیشتر خواهد بود، (۲) هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد توجه و مراقبت از آنها کمتر خواهد بود، (۳) میزان تحصیلات پدر و ساعات کار مادر در خارج از خانه بر تربیت و مراقبت کودک تاثیر چندانی ندارد، و بالاخره مجموعه متغیرهای مستقل مورد بحث توانائی

پیش بینی بیش از حدود ۳۱ درصد از متغیر وابسته را ندارد.

## جدول ۱۵

رگرسیون تربیت کودک بر متغیرهای مستقل در معادله ۵

خطای استاندارد	نسبت F	ضریب B	متغیرهای مستقل	
۰/۷۸۰۶	* /۰۳۳۶	/۰۲۳۵	لیسانس و بالاتر	تحصیلات مادر
/۶۷۲۴	۰/۱۹۶	/۰۱۹۳	فوق دیپلم	
۰/۵۴۰۰	۷/۳۱۸	/۱۰۳۱	سیکل	
۰/۶۵۵۲	۱/۲۷۰	/۰۴۵۷	ابتدائی	
۰/۸۵۲۴	۶/۹۹۵	-/۱۰۸۰	بیسواد	
۰/۹۶۷۵	۳/۶۰۹	/۱۲۴۲	متخصصین	تحصیلات شغل مادر
۱/۱۹۲۸	۰/۷۶۹	/۰۵۵۴	نیمه متخصص	
۰/۹۸۲۵	۱/۸۷۴	/۰۹۷۲	کارمندان جزء	
۱/۲۹۹۳	* /۰۸۰	/۰۱۵۷	کارگران ماهر	
۱/۳۷۷۱	* ۲/۱۷۶	/۰۶۳۳	کارگران ساده	
۰/۴۸۹۰	* /۱۶۰	/۰۱۵۱	لیسانس و بالاتر	تحصیلات پدر
۰/۶۵۹۹	* /۲۵۱	/۰۱۶۷	فوق دیپلم	
۰/۵۹۴۴	* ۲/۶۱۱	/۰۵۵۹	سیکل	
۰/۶۰۰۷	/۰۶۳	/۰۰۹۷	ابتدائی	
۰/۷۳۳۶	* /۰۴۹	/۰۰۸۶	بیسواد	
۰/۱۵۵۸	* /۰۰۰	/۰۰۰۷	ساعات کار مادر	
۰/۱۱۳۱	۲۵۷/۹۶	/۵۵۷۰	تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده	

$$F \text{ نسبت} = ۲۱/۰۷$$

$$R^2 = /۳۱$$

\* در سطح ۵ درصد معنی دار نیست

## یادداشت‌ها و منابع

## 1. Structural Functionalism

۲- ادیبی، عبدالمعبود انصاری. نظریه های جامعه شناسی. تهران: انتشارات جامعه، ۱۳۵۸، ص ۶۵-۵۸.

۳- میشل، آندره. جامعه شناسی خانواده و ازدواج. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۴، ص ۱۲۲.

## 4. Symbolic Interactionism

۵- طوی، زاکلین. «اجتماعی شدن و سه عامل اولیه اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دوره دوم، شماره دوم، ۱۳۵۵، ص ۱۱۲-۱۳.

6. Locksley, Anne. "On the effect of wives employment and Companionship," *Journal of Marriage and the Family*. 1980, Vol. (42), p. 337.

7. Both, David; Johson, R.; white, Lynn; and Edwards N., John. "Women, Outside Employment, and Marital Instability," *American Journal of sociology*. 1984, Vol (90), pp. 567-83.

8. Macheon, Michael J. "Maternal Employment: the Child's Perspective," *Journal of Marriage and the Family*. Vol (44), pp. 469-75.

۹- به دو مقاله زیر مراجعه شود:

برنجی، ایران. تاثیر کار کردن مادران شاغل در خارج از منزل در موقعیت تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی در مدارس دولتی شهر شیراز. پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه شیراز، ۱۳۵۵، خیر، محمد. «رابطه شکست تحصیلی با زمینه ها و شرایط خانوادگی»، «مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز». دوره اول، شماره دوم، بهار ۱۳۶۵، ص ۷۳-۸۵.

۱۰- دفتر هماهنگی طرحها و برنامه ریزی های توسعه، معاونت آمار. آمار اجمالی سطوح مختلف تحصیلی آموزش و پرورش استان فارس، ۱۳۶۶.

## 11. Continious Variables

## 12. Categorical or Nominal Variable

## 13. Dummy Variable